

بررسی پایان زودهنگام فعالیت تیم‌های ورزشی در ایران

مرگ تدریجی یک رؤیا

گروه ورزشی/ قصه انحلال تیم‌های ورزشی که روزگاری در ورزش ایران نقش پررنگی در ایجاد شور و نشاط اجتماعی داشتند، روایت تلخی است که به هیچ وجه نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد. در دهه‌های اخیر، تیم‌های ورزشی زیادی تأسیس شدند تا با به‌کارگیری استعدادهای نوظهور و جوان در میادین ورزشی با حریفان خود رقابت کنند، اما پس از مدتی با ادامه فعالیت در این حوزه منصرف شدند و تنها نام این تیم‌ها در دفتر خاطرات ورزشکاران و علاقه‌مندان باقی ماند. در ورزش ایران، پدیده انحلال تیم‌های ورزشی در سه دوره زمانی بسیار پررنگ‌تر از سایر مقاطع دیده می‌شود. موج اول انحلال تیم‌های فوتبال به دهه ۴۰ شمسی بازمی‌گردد؛ «پارس تهران» در دهه ۴۰، به واسطه مشکلات اقتصادی، فعالیت خود را متوقف کرده بود تا این قصه تلخ به این شکل آغاز شود. دامنه انحلال تیم‌های ورزشی در رشته فوتبال در اوایل دهه ۶۰ نیز ادامه داشت؛ به گونه‌ای که تیم‌های «برق تهران»، «گفتش ملی» و «پست و تلگراف» پس از دو دهه فعالیت، به کار خود در حوزه تیم‌داری پایان دادند. موج دوم انحلال‌ها به اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بازمی‌گردد؛ در این

مقطع سریال انحلال تیم‌های ورزشی به یکباره در ورزش ایران اوج گرفت. تیم‌هایی نام‌آشنا نظیر «بوتان تهران»، با بازیکنانی چون محمد دادکان، اکبر میثاقی‌اف، منصور رشیدی و جواد زرینچه و تیم «دارایی»، با بازیکنانی مانند منصور پورحیدری، جلال طالبی، حمید علی‌دوستی، صمد مرقاوی، حسین فرکی و محراب شاهرخی تصمیم به انحلال گرفتند و بازیکنان سرشناس آنها سرگردان و شوکه شدند. تیم‌های مطرح نظیر «کشاورز»، «سعدآباد»، «بانک ملی»، «صدا و سیما» و «بهمن کرج» نیز قید تیم‌داری را زدند و ستاره‌های بزرگ حاضر در این تیم‌ها، از جمله فرشاد پیوس، مجتبی محرمی، علی‌اصغرمدیرپرورستا، ستار همدانی و محمد خاکپور، با سرگردانی عجیبی مواجه شدند. علاقه‌مندان به حوزه ورزش، بویژه فوتبال تلاش فراوانی برای حفظ این تیم‌ها به خرج دادند، اما مشکلات اقتصادی و نبود سرمایه مناسب اجازه فعالیت به آنها را نداد و عمر تیم‌های خاطره‌ساز فوتبال خیلی زود به پایان رسید. اما کابوس انحلال تیم‌های فوتبال در ورزش ایران به پایان نرسید. در دهه ۸۰، تیم‌های تازه‌تأسیس «پورا» و «پلی اکریل» انحلال خود را اعلام کردند و دوباره دو

روایت عیسی کلاتنری درباره انحلال تیمی که رقیب استقلال و پرسپولیس بود

تلفنی دستور دادند که کشاورز باید منحل شود

سینا حسینی/ روایت فوتبالی «عیسی کلاتنری» وزیر وقت جهاد کشاورزی در دولت سازندگی از ماجرای تأسیس تیم فوتبال کشاورز در سال ۱۳۶۸ و انحلال زودهنگام آن در سال ۱۳۷۴ پرده از پشت صحنه یک تصمیم جنجالی در فوتبال ایران برمی‌دارد که در نوع خود جالب است. او درباره نحوه ورود تیم فوتبال کشاورز به فوتبال به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «مرحوم صفی‌زاده در آن مقطع زمانی به من پیشنهاد داد که ما برای کشاورزان یک تیم فوتبال راه‌اندازی کنیم، برنامه‌گسترده‌ای را به من ارائه داد.» من به او گفتم: «من تیم فوتبال تنها نمی‌خواهم بلکه باید در کنار تیم فوتبال بزرگسالتان، تیم‌های پایه و مدرسه فوتبال نیز ایجاد کنیم تا جوانان و نوجوانان را به شیوه درست پرورش دهیم.» که این موضوع را پذیرفت و از آنجا که برای ما بار مالی نداشت من با تأسیس این تیم موافقت کردم.»

وی در ادامه توضیح داد: «تیم ما مثل شکل گرفت و نتایج خوبی به دست آورد. یک روز مرحوم همداری به ملاقات من آمد، به خوبی به یاد دارم در آن جلسه مرحوم همداری من گفت: «قای کلاتنری تیم قوی درست نکنید چون برخی مسئولان و بزرگان و فرزندان آنها طرفدار استقلال و پرسپولیس

محصول تلخ تفکر نتیجه‌گرا

محصول فوتبال نتیجه‌گرا اتفاقات تلخی نظیر انحلال است. وقتی تنها هدف سرمایه‌گذاری در تیم فوتبال، کسب نتیجه است، عاقبتی جز انحلال برای آن وجود ندارد. اگر سرمایه‌گذارها به اهداف سرمایه‌گذاری خود راه به خاطر امرار معاش و نصف دیگر را هم برای عشق به فوتبال می‌آوردند تا بازی‌ها لذت‌بخش، آن موقع باشگاه‌های قدیمی هم به سرمایه‌گذاری ادامه می‌دادند. اما غول نتیجه‌گرایی بد جور روی همه چیز سایه انداخته است، تا حدی که حتی حالتیم‌های پایه و نونهال‌ها هم دنبال نتیجه و برد و باخت هستند. آنها می‌خواهند اول با دوم شوند، بالا بروند و پایین نیفتند



میرشاد ماجدی
رئیس‌هات فوتبال تهران

جای خالی استعدادهای فراموش شده

در دهه‌های گذشته، فوتبال تهران شاهد حضور پررنگ تیم‌های متعددی بود که هر یک به نوبه خود در شکل‌گیری و توسعه این ورزش در پایتخت نقشی اساسی ایفا کردند. از باشگاه‌های ریشه‌داری چون راه‌آهن و بانک ملی تا تیم‌های خصوصی پروازهای همچون دارایی، اکباتان و شاهین، هر یک بستری برای پرورش استعدادهای جوان و ظهور ستارگانی بودند که بعدها در تیم ملی خوش درخشیدند. نام‌هایی چون ناصر



مجتبی محرمی
بازیکن سابق فوتبال

محمدخانی، امیر قلعه نویی و حسین فرکی، تنها نمونه‌ای از محصول این باشگاه‌ها هستند. با این حال، متأسفانه بسیاری از این تیم‌ها به دلایل گوناگون نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و پس از سال‌ها فعالیت و خدمت به فوتبال کشور، به ورطه انحلال کشیده شدند. ریشه این مشکل را نمی‌توان در کمبود تماشاگر یا فقدان علاقه جست‌وجو کرد، بلکه هزینه‌های سرسام‌آور و نبود درآمدزایی پایدار، اصلی‌ترین عامل این ناکامی بود. در آن دوران، ساختار حرفه‌ای فوتبال ایران هنوز به طور کامل شکل نگرفته بود و بسیاری از باشگاه‌ها صرفاً به هزینه کردن می‌پرداختند، بدون آنکه منابع درآمدی مکفی برای تأمین مخارج خود داشته باشند. حتی سرمایه‌گذاران و مالکان دلسوز نیز پس از چند سال تلاش، تاب‌مقاومت در برابر این فشار مالی را از دست داده و ادامه فعالیت برایشان غیرممکن می‌شد. بازیکنان بسیاری مسیر حرفه‌ای خود را از همین محیط‌ها آغاز کردند و به مدارج بالا رسیدند. اما متأسفانه، نبود ثبات مالی و مدیریتی، حمایت کافی نشدن از سوی دولت و نداشتن برنامه مدون برای درآمدزایی، سرنوشتی جز انحلال را برای بسیاری از این باشگاه‌ها رقم نزن. باشگاه‌هایی که بتوانند یک مدل اقتصادی پایدار برای خود تعریف کنند، قادر خواهند بود نقش کلیدی در پرورش استعدادها و توسعه فوتبال کشور ایفا کرده و خلأ تاریخی ناشی از انحلال تیم‌های گذشته را جبران کنند.



صمد مرقاوی
مربی فوتبال

هزینه‌های سرسام‌آور، درآمدهای ناچیز

تیم‌های خصوصی در فوتبال ایران، یادآور تجربه‌های تلخی چون دارایی، استقلال اهواز و استیل‌آدین هستند؛ سرمایه‌گذاری‌های کلانی که به دلیل فقدان زیرساخت‌های حرفه‌ای و درآمدهای ناچیز، مجبور به فنا شدند. این تیم‌ها که با پشتوانه سرمایه‌گذاران شکل گرفتند، هزینه‌های هنگفتی را متحمل شدند، اما در نهایت نتوانستند به بقای خود ادامه دهند. در فوتبال ایران، منابع حیاتی درآمدی همچون حق پخش تلویزیونی، تبلیغات و بلیت‌فروشی به‌نحو کارآمدی مدیریت نمی‌شوند. تیمی که صرفاً هزینه می‌کند و درآمدی مکفی ندارد، به سختی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، پس از چند سال، با از این عرصه کناره‌گیری می‌کنند یا به دنبال حمایت‌های دولتی می‌روند تا کسری بودجه خود را جبران کنند. این معضل، تنها مختص تیم‌های خصوصی نیست، بلکه گریبانگیر باشگاه‌های دولتی نیز هست. حتی تیم‌هایی با سرمایه‌های قابل توجه، نظیر دارایی و استقلال اهواز، به دلیل هزینه‌های بالا، باعث شدند تا منابع شخصی سرمایه‌گذاران تحلیل رفته و از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصادی باز بمانند. در واقع، فوتبال ایران هنوز به یک صنعت تمام‌عیار و پایدار تبدیل نشده و تیم‌داری به شکل اقتصادی، هنوز ریشه‌دار نشده است. تجربه کشورهای دیگر، نظیر انگلستان و قطر، نشان می‌دهد که با ارائه حمایت‌های مالی، وام‌ها و ایجاد زیرساخت‌های حرفه‌ای، می‌توان بخش خصوصی را در فوتبال پایدار کرد. اما شرایط اقتصادی ایران و تورم افسارگسیخته، دولت‌را از ارائه چنین حمایت‌هایی باز می‌دارد. بدون ایجاد درآمدزایی واقعی و ثبات اقتصادی، بخش خصوصی نمی‌تواند برای مدت طولانی در فوتبال ایران دوام بیاورد. برای حفظ و توسعه تیم‌های خصوصی، فوتبال ایران نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی و حمایتی است تا سرمایه‌گذاران بتوانند با اطمینان و چشم‌انداز بلندمدت در این صنعت فعالیت کنند، نه اینکه پس از چند سال حضور کوتاه، مجبور به ترک عرصه شوند.



منحل شد

از صنم تا سرمایه، تراژدی انحلال قهرمانان والیبال

بانک سرمایه که چندین بار قهرمان شده بودند، روزی با خطر انحلال مواجه شدند. برق، بانک سرمایه، سپهر الکتریک مشهد، سپهر صدرا مشهد، میزان خراسان، نوین کشاورز، بارپج اسانس کاشان، شهرداری ورامین، هورسان رامسر، پارسه، ارتعاشات صنعتی، شمس و سالوت؛ تیم‌هایی بودند که مدتی در لیگ مردان و زنان والیبال حاضر بودند و پس از مدتی از صحنه حذف شدند، خبر که تورم و افزایش چشمگیر قراردادهای هزینه‌های تیم‌داری اجازه ادامه فعالیت به بسیاری از آنها را نمی‌داد. حتی برخی تیم‌های تازه‌وارد به پیش از آغاز فصل با مشکلات مالی روبه‌رو بودند و گاهی کار به جایی می‌رسید که در پایان فصل اول، ۵۵ درصد از قراردادهای بازیکنان و کادر تیم پرداخت نمی‌شد و تیم پیش از شروع کامل فصل، منحل می‌شد.



مهری رنجبر/ لیگ برتر والیبال ایران، هرچند از سال ۱۳۵۴ با حضور ۱۲ تیم آغاز به کار کرد، اما برگزاری رسمی آن به شکل امروز از سال ۱۳۶۹ شکل گرفت. اگر شروع لیگ را از این سال محاسبه کنیم، لیگ والیبال قدمتی ۳۵ ساله دارد. با این حال، تیم‌های لیگ برتری از خطر انحلال در امان نبوده‌اند. وقتی تاریخ لیگ والیبال را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که پیکان تهران با ۱۲ قهرمانی، صنم تهران با ۴ قهرمانی و بانک سرمایه و فولاد سیرجان ایرانیان هرکدام با ۳ قهرمانی، موفق‌ترین تیم‌های لیگ برتر بوده‌اند. اما در کنار این قهرمانان، تیم‌هایی هم بوده‌اند که امروز تنها نام‌شان در تاریخ والیبال ایران مانده است. حتی تیم‌هایی مثل صنم و

چه قیمت‌های عجیب و غریبی، این اتفاقات باعث می‌شود ما مقابل تیم‌های سطح پایین فوتبال آسیا متوقف شویم، نتیجه این وضعیت می‌شود نمایش ضعیف مقابل افغانستان و هند. فدراسیون فوتبال باید برای جلوگیری از این وضعیت، ورود خارجی‌های بی‌کیفیت را محدود کند.» وی در ادامه توضیح می‌دهد: «از زمانی که چرخه ورود بازیکنان بی‌کیفیت آفریقایی به فوتبال ایران باب شده ما به مصرف‌کننده بازیکن بی‌کیفیت تبدیل شده‌ایم. در تمام دنیا در جهت حمایت از استعدادهای داخلی ورود دروازه‌بان را محدود می‌کنند اما ما شاهد استخدام دروازه‌بان خارجی هستیم. این اتفاقات باعث افت فوتبال ملی ما می‌شود. قطعاً اگر راه‌حلی از سوی فدراسیون در نظر گرفته نشود با بحران‌های بزرگ‌تری در عرصه ملی مواجه می‌شویم.»



مؤسس تیم فوتبال کشاورز در ادامه می‌گوید: «باشگاه‌های ما فقط حاضری خور هستند، هیچ کسی به فوتبال پایه توجه نمی‌کند، کدام باشگاه به استعدادهای مدارس پایه توجه می‌کند، الان از میان ۱۶ تیم لیگ برتری و تیم‌های لیگ دسته یک کدام یک به استعداددهای فوتبال پایه توجه دارند؟ توسعه در فوتبال ما به کلی فراموش شده است، فوتبال در کشور ما شبیه گل وحشی در بیابان شده است، شما به وضعیت بازیکنان بی‌کیفیت خارجی حاضر در لیگ برتر توجه کنید کدام یک از آنها دارای استعداد مناسب هستند.» عیسی کلاتنری با انتقاد از ورود بی‌رویه بازیکنان بی‌کیفیت خارجی به فوتبال ایران می‌گوید: «فوتبال ما رو به افول است، بازیکنان درجه یک آنها با وعده پول بازیکنان و سرمایه‌های تلنبر، دیگر را به سرعت می‌برند. روشی که باعث نابودی تیم‌های ریشه‌دار می‌شود.»

ثمره شوم مصرف‌گرایی



منصور رشیدی
دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال

تیم‌های ریشه‌دار فوتبال ایران زمانی نماد فرهنگ، تلاش و پرورش استعداد بودند، اما امروز تنها خاطره‌ای از آن روزهای پرشور باقی مانده است. وقتی اسکان رقابت از این تیم‌ها گرفته شد، آرام آرام به سمت انحلال رفتند. ورود تیم‌های دولتی با بودجه‌های کلان و حمایت نهادهای، رقابت را برای باشگاه‌های سنتی سخت کرد. این تیم‌ها که نقش حیاتی در پرورش جوانان و توجه به استعدادهای داشتند، با نبود منابع ناچار به کناره‌گیری شدند. این سرنوشته تنها ریشه‌دار را زنده نگه داریم و از کشورهای ایران تیم‌های باسابقه، یکی پس از دیگری، کنار



پریسا غساری/ بسکتبال نیز از سرنوشت تلخ انحلال تیم‌های ورزشی بی‌تصیب نمانده است.

تیم مهران، یکی از تیم‌های باسابقه و پرافتخار این رشته، که از سال ۱۳۸۵ وارد عرصه تیم‌داری شده و حتی در سطح آسیا نیز افتخارات متعددی کسب کرده بود، حالا در رأس امور قرار می‌گرفت. امروز می‌توانستیم، تیم‌های ریشه‌دار را زنده نگه داریم و از کشورهای شاسیه خلیج فارس پیشی بگیریم.

چرا باشگاه‌های بزرگ دنیا منحل نمی‌شوند؟



ای.سی. اف. فورتینا (ACF Fiorentina) دوباره متولد شد. همچنین رنجرز اسکاتلند در سال ۲۰۱۲ به دلیل قرار مالیاتی و ورشکستگی منحل شد و از لیگ دسته چهارم کار خود را از نو آغاز کرد. در آلمان، باشگاه‌هایی مانند مونیخ ۱۸۶۰ و روت‌وایس ایسن نیز تا مرز فروپاشی پیش رفتند، اما با نظارت شدید فدراسیون و حضور فعال هواداران، توانستند بقا پیدا کنند. این نشان می‌دهد که در فوتبال پیشرفته، حتی در صورت بحران، ساختارهای حمایتی اجازه نمی‌دهد یک باشگاه محبوب به طور کامل مدیر تغییر می‌کند. اما موجودیت باشگاه‌ها نه از بین برود. تفاوت بزرگ اینجاست که در اروپا و آمریکای جنوبی، باشگاه‌ها به عنوان نهادهای اجتماعی و اقتصادی با شخصیت حقوقی مستقل فعالیت می‌کنند. آنها دارای هیات‌مدیره، سهامداران، حسابرسی شفاف و قوانین مشخص برای ورشکستگی هستند. این یعنی در صورت شکست مالی، مالک یا مدیر تیم به راحتی ناپدید می‌شود و نه هوادار حق مالکیت دارد، نه قانونی از ادامه حیات باشگاه حمایت می‌کند.

فرخ حساسی/ در حالی که در فوتبال ایران انحلال باشگاه‌ها به پدیده‌ای عادی تبدیل شده است، از هما وحدت گرفته تا راه‌آهن، شاهین و پاس و... در فوتبال حرفه‌ای جهان چنین اتفاقی بسیار کم رخ می‌دهد. در اروپا و سایر قاره‌ها نیز باشگاه‌هایی از بین رفته‌اند، اما تعدادشان اندک و معمولاً در نتیجه بحران‌های شدید مالی یا تخلفات مدیریتی بوده است.

به عنوان نمونه، بری (Bury FC) از قدیمی‌ترین باشگاه‌های فوتبال انگلیس، در سال ۲۰۱۹ پس از ۱۳۴ سال فعالیت، به دلیل بدهی‌های سنگین و ناتوانی در ارائه تضمین مالی از لیگ کنار گذاشته و عملاً منحل شد. در ایتالیا نیز باشگاه فیورنتینا در سال ۲۰۰۲ به علت بدهی‌های کلان اعلام ورشکستگی کرد، اما با ساختار و مالک جدید، با نامی اندکی متفاوت